

دو تا ۷۰	در میان گذاشتن برکات ۱۴
T = معلم ۱	یک شاگرد برکاتش را از یوحنا ۱۸ : ۲۸-۲۱ : ۲۵ با دیگران در میان می گذارد
S = معلم ۲	

(T) به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " خوش آمدید. بوسیله این مجموعه دروس درباره در میان گذاشتن برکات شما یاد خواهید گرفت تا شاگرد عیسی مسیح شوید. دو معلم برکات خود را از رازگهان خود با شما در میان می گذارند. در طی هفته گذشته ما هر روز از قسمتی از کتاب مقدس رازگهان داشتیم. هفته ای یکبار ما با هم جمع می شویم تا آنچه یاد گرفته ایم را با هم در میان بگذاریم. در حالیکه به این برنامه گوش می دهید در دفتر خود یادداشت بردارید یا آن را ضبط کنید. ما ابتدا توضیح خواهیم داد چطور رازگهان داشته باشیم. سپس حقایق مهم و درس هایی که از رازگهان خود داشتیم را در میان می گذاریم و سعی می کنیم به سؤال های مشکل پاسخ دهیم. عنوان درس امروز این است: یک شاگرد برکاتش را از یوحنا ۱۸ : ۲۸ تا ۲۱ : ۲۵ با دیگران در میان می گذارد.

(S) نکته ۱: چگونه رازگهان داشته باشیم و برکات خود را در میان بگذاریم.

هر روز زمانی برای مشارکت با خدا یا رازگهان از روی برنامه مطالعه کتاب مقدس داشته باشید. یک روش ساده برای رازگهان روش حقیقت محبوب نام دارد که دارای پنج قدم می باشد.

قدم ۱. دعا کنید و از خدا بخواهید با شما صحبت کند.

قدم ۲. یکی از قسمتهای مشخص شده را بخوانید.

قدم ۳. حقیقت محبوب خود را انتخاب کنید. این حقیقت، آیه یا قسمتی است که بوسیله آن خدا با شما صحبت می کند، افکارتان را تحریک می کند یا قلبتان را لمس می نماید.

قدم ۴. بر حقیقت محبوب خود تعمق کنید. با انجام این چهار عمل تعمق کنید. **اول.** بر روی معانی کلمات فکر کنید. **دوم.** از خدا بخواهید می خواهد به شما چه چیزی بگوید. **سوم.** با پیدا کردن یک کاربرد عملی حقیقت محبوب را به زندگی خود مرتبط سازید. **چهارم.** مهمترین افکار تعمق خود را در دفترتان یادداشت کنید بطوریکه بتوانید آنها را با دیگران هم در میان بگذارید.

قدم ۵. حقیقت محبوب خود را در دعا بنزد خدا بیاورید تا در زندگی شما، شخصی در خانواده تان، یک نفر که در نزدیکی شما است و کسی که از شما دور است تحقق بیابد. وقتی با یک دوست یا مسیحیان دیگر در یک مشارکت خانگی یا گروه شاگردی جمع می شوید، بنوبت برکات خود از یکی از رازگهان های خود را با دیگران در میان بگذارید. شما همچنین می توانید سعی کنید جواب بعضی سؤالات را از قسمتهایی که باید از آنها رازگهان می کردید، بدهید.

(T) نکته ۲. در میان گذاشتن برکات از یوحنا ۱۸ : ۲۸ تا ۲۱ : ۲۵

در هفته گذشته ما یوحنا ۱۸ : ۲۸ تا ۲۱ : ۲۵ را خواندیم، بر روی آن تعمق کردیم و درباره آن دعا نمودیم. حالا ما از یادداشتهای رازگهان های خود برای در میان گذاشتن حقایق و درس هایی که از این قسمتها یاد گرفتیم استفاده می کنیم و بعضی سؤال ها را جواب می دهیم.

در میان گذاشتن برکات از یوحنا فصل ۱۸

(S) من می خواهم از موضوع انکار پطرس با شما مطلبی در میان بگذارم. پطرس واقعا خود را نمی شناخت. روز قبل از مصلوب شدن عیسی او ادعاهای بزرگی کرد. او به عیسی گفت: " من حاضرم با تو به زندان بروم ، حتی با تو بمیرم " و " من حاضرم جانم را فدای تو کنم ". (لوقا ۲۲ : ۲۳ ، یوحنا ۱۳ : ۳۷) و در همان شب وقتی عیسی دستگیر شد پطرس عیسی را ترک کرد و با شاگردان دیگر فرار کرد (مرقس ۱۴ : ۵۰).

وقتی آنها عیسی را برای محاکمه بنزد شورای سنه‌ترین و کاهن اعظم بردند، پطرس از دور آنها را تعقیب کرد و وارد حیاط خانه کاهن اعظم شد. سه بار مردم تشخیص دادند که او جزو شاگردان مسیح بود و سه بار او انکار کرد که مسیح را می شناسد. بعد از آخرین انکار خروس برای دومین بار بانگ زد و عیسی برگشت و مستقیم به پطرس نگاه کرد. پطرس از آنجا بیرون رفت و به سختی گریست (لوقا ۲۲ : ۶۱-۶۲).

پطرس نمی خواست این کار را بکند. اما او نمی دانست که در او احساس ترس وجود دارد و او با قوت خودش نمی تواند آن ادعاهای بزرگ را انجام دهد. او تنها بعد از اینکه به خلاء خود پی برد آمادگی دریافت قدرت و حضور روح القدس را پیدا کرد. من در مورد خودم فکر کردم. من هم چه وعده های بزرگی به خداوند داده ام؟ من هم چه افکار بزرگی برای پیشبرد ملکوت خدا دارم؟ آیا واقعا خودم را میشناسم و میدانم چقدر ضعیف هستم؟ آیا میخواهم این موضوع را به عیسی بگویم؟ می دانم که من هم می توانم عیسی را انکار کنم اما چونکه اغلب در دعا ، من فیض او و قدرت روح القدس را می طلبم که او را انکار نکنم ، پس من او را انکار نکرده ، بلکه او را به دیگر انسانها معرفی میکنم .

در میان گذاشتن برکات از یوحنا باب ۱۹

(T) من می خواهم در مورد مرگ عیسی مطلبی در میان بگذارم. عیسی صلیب خود را برداشت اما بعداً سربازان شمعون قیروانی را مجبور کردند تا آن صلیب را حمل کند. امروز من باید عیسی را پیروی کنم و صلیب خود را بردارم. جمعیتی عیسی را تا صلیب دنبال می کرد. زنانی بودند که برای عیسی گریه و زاری می کردند و عیسی با آنها صحبت کرد. در جلجتا یک سرباز رومی خواست به عیسی دارویی بدهد تا درد را کمتر احساس کند اما او آن را رد کرد چون می خواست تمام آن رنج را تجربه کند. حدود ساعت ۹ صبح جمعه دست و پای او را به صلیب میخکوب کردند و بعد صلیب را کشیدند تا پایین آن در گودالی قرار گرفت. دو دزد با عیسی مصلوب شدند. پیلطس دستور داد توضیحی در بالای سرش کوبیده شود. سربازان بر سر لباسش قرعه انداختند و منتظر شدند. رنج او می بایست چقدر شدید بوده باشد در حالیکه بر آن میخها آویزان بود. چه شرم تلخی که عریان مصلوب شده بود. بر خود گرفتن گناه جهان چه رنج دردناکی بود. سپس عیسی گفت: " پدر اینها را ببخش، زیرا نمیدانند چه می کنند. " (لوقا ۲۳: ۳۴) حتی وقتی عیسی تا حد مرگ شکنجه شد و به شهادت رسید هنوز برای دشمنانش دعا می کرد. مردم ایستادند و او را تماشا کردند و بسیاری او را مسخره کردند اما عیسی به یکی از دو دزد که در کنار او بود گفت: "خاطر جمع باش که تو همین امروز با من در بهشت خواهی بود. " (لوقا ۲۳: ۴۳) حتی برای شخصی که تمام زندگی اش را به بطالت گذرانده امیدی هست. اگر شما با انجام کارهای زشت زندگی خود را به هدر داده اید بسوی عیسی بازگردید و نجات خواهید یافت.

یوحنا در پای صلیب در کنار مادر عیسی مریم ایستاده بود و عیسی به مریم گفت: " این پسر تو باشد " و به یوحنا گفت: " او مادر تو باشد " (یوحنا ۱۹: ۲۶-۲۷). حتی وقتی عیسی رنج می کشید او خودخواه نشده بود بلکه به نیازهای دیگران بخصوص مادرش توجه می کرد.

از ساعت ۱۲ ظهر تا ۳ عصر تاریکی آن منطقه را فرا گرفت و عیسی گفت: "ایلی ایلی لما سدقتنی که یعنی خدای من، خدای من، چرا مرا ترک کردی؟" (مرقس ۱۵: ۳۳-۳۵). ترک شدن بوسیله خدا چون رنج دوزخ دردناک بود. عیسی رنج دوزخ را تجربه کرد بطوریکه من اگر به او ایمان بیاورم مجبور نباشم این عذاب را تحمل کنم. عیسی قبل از مرگش عذاب جهنم را بجای من بر خودش گرفت. او بعد از مرگش به دوزخ نزول نکرد چون دیگر عمل کفاره ای خود را کامل کرده بود. سپس عیسی گفت: "من تشنه ام" (یوحنا ۱۹: ۲۸) و "تمام شد" (یوحنا ۱۹: ۳۰). عیسی بها را پرداخت و کار نجات را کامل کرد. از آنجایی که عیسی کار نجات را تمام کرد، کاری باقی نمانده تا بوسیله آن من خود را نجات دهم. من تنها بوسیله کار کامل شده مسیح نجات می یابم. من فقط بوسیله محبت، رحمت و فیض می توانم نجات بیابم.

بالاخره عیسی گفت: "پدر بدستهای تو جان خود را می سپارم" (لوقا ۲۳: ۴۶) و او مرد. سپس چیز بسیار عجیبی رخ داد. ابتدا پرده هیكل از بالا تا پایین پاره شد. این اتفاق نشانه ای بود برای پایان قربانی ها مراسم شریعت عهد عتیق. از این پس هر کس که به عیسی مسیح ایمان می آورد مستقیماً به خدا دسترسی خواهد داشت. زمین لرزید، صخره ها شکافتند، قبرها باز شدند و بدنهای بسیاری از مقدسین زنده شد و بر بسیاری در شهر اورشلیم ظاهر شدند. این معجزه و نوبری از آنچه در بازگشت ثانویه مسیح اتفاق خواهد افتاد بود. سپس تمام مردگان جهان از قبرها قیام خواهند کرد. بعضی برای حیات جاودان و بعضی برای محکومیت ابدی (یوحنا ۵: ۲۸-۲۹).

افسر رومی و سربازانی که عیسی را مصلوب کرده بودند تمام این اتفاقات را دیدند. آنها با هراس و حیرت گفتند: " بدون شک او پسر خدا بود ". از آن لحظه بسیاری از مردم از قومهای مختلف جهان به عیسی ایمان آوردند و وارد ملکوت خدا شدند.

جمعیتی که صحنه مصلوب شدن را دیده بودند به نشانه پشیمانی به سینه خود کوبیدند و به خانه هایشان رفتند. اما پیروانش مخصوصاً زنان از فاصله دور ایستادند و همه این اتفاقات را دیدند. چون سبت از طلوع آفتاب آغاز می شد پیلطس دستور داد تا استخوان محکومان شکسته شود و بدنشان را پایین بیاورند. آنها در مورد آن دو دزد این کار را کردند اما وقتی بنزد عیسی آمدند او مرده بود. پس نیزه را به پهلو او زدند و خون و آب از پهلو او جاری شد. افراد متخصص می گویند این امر نشاندهنده این است که قلب او شکسته و از میان دوپاره شده بود.

در میان گذاشتن برکات از یوحنا باب ۲۰ و ۲۱

(S) من می خواهم درباره ظاهر شدن عیسی بعد از قیامش مطلبی را در میان بگذارم. اگر ما هر چهار انجیل را با هم مقایسه کنیم هیچ تناقضی در وقایعی که بیان می کنند، نمی بینیم. من می خواهم ترتیب اتفاقات را شرح دهم. زنان که با عیسی از جلیل آمده بودند یوسف رومه ای را تا قبر دنبال کردند. آنها مقبره که جسد را در آن گذاشته دیدند. آنها در سبت آرام گرفتند. شبانه شب آنها مواد لازم را خریدند و حنوطی را برای تدفین بدن عیسی آماده کردند. یکشنبه صبح بعضی زنان به سر قبر رفتند. آنها در تاریکی براه افتاده بودند و وقتی به آنجا رسیدند هوا روشن شده بود. در راه آنها در این مورد صحبت می کردند که چطور آن سنگ بزرگ را از جلوی مقبره بردارند. اما متی می گوید: "وقتی یک فرشته از آسمان نزول کرد زلزله ای رخ داد. سربازانی که در آنجا نگهبانی می دادند قبل از اینکه از ترس بگریزند برای لحظاتی فلج شده بودند. فرشته سنگ را از جای خودش غلطاند بطوریکه بر روی زمین قرار گرفت و آن فرشته به نشانه

پیروزی خداوند بر مرگ بر روی آن سنگ نشست. فرشته سنگ را غلطاند نه برای اینکه اجازه دهد عیسی از قبر خارج شود بلکه تا زنان و رسولان وارد قبر شوند.

حداقل دو فرشته بودند که در آن اطراف حضور داشتند و با زنان صحبت کردند. فرشتگان زنان را دعوت کردند تا جایی که جسد عیسی را گذاشته بودند ببینند. زنان تنها پارچه های کنانی را که بدور بدن و سر عیسی پیچیده بودند، دیدند. احتمالاً پارچه های کتان هنوز شکل بدن عیسی را نشان می داد نه انگار که عیسی ناگهان از میان آن پارچه ها برخاسته بود. آن پارچه های کتان و پارچه ای که بر روی صورت عیسی پیچیده بودند نشان می داد که کسی بدن عیسی را از آنجا نبرده بود بلکه عیسی حقیقتاً از مردگان قیام کرده است.

زنان در ابتدا با حیرت و ترس از آنجا گریختند. مریم مجدلیه زودتر از همه پیش شاگردان رفت و پطرس و یوحنا را از این جریانات با خبر کرد. پطرس و یوحنا به طرف قبر دویدند. در این بین زنان دیگر، این جریانات را برای دیگر رسولان تعریف کردند، اما آنها حرف زنان را باور نکردند. پطرس و یوحنا وارد قبر شدند و آن پارچه های کتان را بدون جسد مسیح دیدند و ایمان آوردند که عیسی از بین مردگان قیام کرده است. سپس آنها به محلی که در اورشلیم داشتند رفتند.

اولین ظهور عیسی در یوحنا ۲۰: ۱۱ تا ۱۸ شرح داده شده است. در حالیکه مریم مجدلیه به مقبره برگشت، عیسی ابتدا بر او ظاهر شد و عیسی به او گفت: "مرا لمس کن زیرا هنوز بنزد پدر خود باز نگشته ام". عیسی مشکلی با لمس کردن او نداشت چون بعداً تو ما را دعوت کرد او را لمس کند، بلکه منظور او این بود که از این طریق مریم نمی تواند او را همیشه با خود نگهدارد. تنها بعد از صعود او به نزد پدر، داشتن مشارکت بی وقفه و دائمی با او ممکن شد. مریم مجدلیه به نزد شاگردان رفت و به آنها گفت که عیسی از بین مردگان برخاسته و او عیسی را دیده است. اما اکثر شاگردان حرف او را باور نکردند.

دومین ظهور عیسی در متی ۲۸: ۹-۱۰ نوشته شده است. عیسی به زنان دیگر ظاهر شد. **سومین ظهور عیسی در لوقا ۲۴: ۱۳ تا ۳۵ شرح داده شده است.** در هنگام عصر اولین یکشنبه عیسی به دو نفر از پیروانش که به روستایی بیش از ۱۰ کیلومتری اورشلیم می رفتند ظاهر شد. آنها فقط وقتی عیسی با آنها شروع به خوردن غذا کرد متوجه شدند او عیسی است.

ظهور چهارم در لوقا ۲۴: ۳۳-۳۴ شرح داده شده است. وقتی این دو پیرو عیسی به اورشلیم و بنزد رسولان می روند، می شنوند که عیسی برخاسته و به پطرس ظاهر شده است.

ظهور پنجم در یوحنا ۱۹: ۲۰ تا ۲۳ شرح داده شده است. عیسی در هنگام شب اولین یکشنبه بر همه رسولان بجز تو ما ظاهر شد. او مستقیماً وارد اتاقی شد که آنها در آنجا جمع شده بودند و در را هم بسته بودند. شاگردان بحیرت افتادند و ترسیدند و فکر کردند یک شب دیده اند اما عیسی سرسختی شان در بی ایمانی را توبیخ کرد و گفت تا به جای میخها در دستها و پاهایش نگاه کنند و او را لمس کنند تا مطمئن شوند که او شب نیست. همچنین با آنها غذا خورد.

ششمین ظهور در یوحنا ۱۹: ۲۴ تا ۲۹ شرح داده شده است. یک هفته بعد یکشنبه شب عیسی بار دیگر به شاگردانش که پشت درهای بسته بودند ظاهر شد. این بار توماس هم حاضر بود و عیسی مخصوصاً توماس شکاک را دعوت کرد تا او را لمس کند و به او ایمان بیاورد.

هفتمین ظهور در یوحنا ۲۱: ۱ تا ۲۳ شرح داده شده است. بعد از اینکه شاگردان به جلیل بازگشتند یک روز صبح زود وقتی شاگردان در حال کشیدن ماهی صید شده به ساحل دریای جلیل بودند عیسی به چند نفر از آنها ظاهر شد. او با آنها صبحانه خورد و بطور مخصوص به پطرس فرصت داد تا او را سه بار اعتراف کند.

هشتمین ظهور در متی ۲۸: ۱۶ تا ۲۰ شرح داده شده است. شاگردان عیسی را بر کوه جلیل ملاقات کردند. در این ملاقات عیسی به شاگردانش مأموریت اعظم را می دهد که بروند و تمام قومها را شاگرد سازند.

نهمین ظهور در اول قرنیتیان ۱۵: ۶ شرح داده شده است و قتیکه عیسی به بیش از ۵۰۰ نفر از پیروانش در یک زمان ظاهر شد.

دهمین ظهور در اول قرنیتیان ۱۵: ۷ شرح داده شده است و قتیکه عیسی به یعقوب، برادرش که بعدها رهبر کلیسای اورشلیم می شود ظاهر شد.

یازدهمین ظهور در اعمال ۱: ۴-۱۳ نوشته شده است. البته نمی توان با قاطعیت گفت این اتفاقات در یک زمان یا دو زمان متفاوت اتفاق افتاده باشد. بهر حال شاگردان باز در اورشلیم بودند و عیسی با آنها غذا خورد و به آنها وعده قدرت روح القدس را داد تا در انجام خدمتشان به آنها کمک کند. و بعد در پیش چشم شاگردانش به آسمان صعود فرمود.

دوازدهمین ظهور در اول قرنیتیان ۱۵: ۸ شرح داده شده است که در حالیکه پولس در راه دمشق بود عیسی به او ظاهر شد و این امر منجر به ایمان آوردن پولس شد.

تمام این ظهورهای عیسی واقعیت قیام عیسی را بر من ثابت می کند. عیسی حقیقتاً زنده است. او زندگی می کند و حالا در من زندگی می کند.

(T) **تکلیف برای هفته آینده**

اول. اعمال ۱: ۱ تا ۴: ۱۰ را به هفت قسمت تقسیم کنید. هر روز از یک قسمت رازگهان داشته باشید. نتایج تعمق تمام رازگهان های خود را در دفتر یادداشتان بنویسید. هفته ای یکبار با یک دوست یا یک مشارکت خانگی یا گروه شاگردی مشارکت داشته باشید و برکات رازگهان خود را با دیگران در میان بگذارید.

دوم. کتابهای دستورعمل " بروید و شاگردان بسازید" را ملاحظه کنید و به آدرس اینترنتی www.dota.net مراجعه کنید. این آدرس را به حروف تکرار میکنم

سوم. هر شنبه تا چهارشنبه به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " گوش کنید .